

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۴۴

آیه ۸ - ۹

آیه و ترجمه

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب
ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد
ترجمه :

۸ - (راسخان در علم، می گویند:) پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای!

۹ - پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد، زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند. (ما به تو و رحمت بی‌پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم).

تفسیر :

رهائی از لغزش‌ها

از آنجا که آیات متشابه و اسرار نهانی آن ممکن است لغزشگاهی برای افراد گردد، و از کوره این امتحان، سیه روی در آیند، راسخون در علم و اندیشمندان با ایمان، علاوه بر به کار گرفتن سرمایه‌های علمی خود در فهم معنی این آیات به پروردگار خویش پناه می‌برند، و این دو آیه که از زبان راسخون در علم، می‌باشد روشن‌گر این حقیقت است آنها می‌گویند:
پروردگارا! دل‌های ما را بعد از آنکه ما را هدایت نمودی، منحرف مگردان، و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش زیرا تو بسیار بخشنده‌ای (ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب).
بسیارند دانشمندانی که غرور علمی، آنان را از پای در می‌آورد و یا

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۴۵

و سوسه‌های شیاطین و هوای نفس آنها را به بیراهه‌ها می‌کشاند، اینجا است که باید خود را به خدا سپرد و از او هدایت خواست.

حتی در بعضی از روایات آمده است که شخص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز خود را به خدا می سپرد، و بسیار این دعا را تکرار میکرد: یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک: ای کسی که دلها را می گردانی قلب من را بر دین خود ثابت بدار.

و از آنجا که عقیده به معاد و توجه به روز رستاخیز از هر چیز برای کنترل امیال و هوسها مؤثرتر است، راسخون در علم به یاد آن روز می افتند، و می گویند: پروردگارا! تو مردم را در آن روزی که تردیدی در آن نیست جمع خواهی کرد زیرا خداوند از وعده خود تخلف نمی کند (ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد).

و به این ترتیب از هوی و هوسها و احساسات افراطی که موجب لغزش می گردد خود را بر کنار می دارند.

آری این گونه افراد هستند که می توانند آیات خدا را آن چنان که هست بفهمند و از انحراف در امان بمانند (در حقیقت آیه اول اشاره به ایمان کامل آنها به مبدا است، و آیه دوم اشاره به ایمان راسخ آنها به معاد).

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۴۶

آیه ۱۰ - ۱۱

آیه و ترجمه

ان الذین کفروا لن تغنی عنهم امولهم و لا اولادهم من الله شیا واولئک هم وقود النار

کذاب آل فرعون و الذین من قبلهم کذبوا بایاتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله شدید العقاب

ترجمه :

۱۰ - ثروتها و فرزندانشان کسانی که کافر شدند، نمی تواند آنان را از (عذاب) خداوند باز دارد، (و از کیفر، رهایی بخشد). و آنان خود، آتشگیره دوزخند.

۱۱ - (عادت آنان در انکار و تحریف حقایق)، همچون عادت آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند، آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت، و خداوند، شدید العقاب است.

تفسیر :

در آیات گذشته وضع مومنان و غیر مومنان در برابر آیات محکم و متشابه بیان شده بود، در ادامه این بحث از وضع دردناک کافران در روز قیامت پرده بر

می‌دارد و عواقب شوم اعمالشان را برای آنها مجسم می‌سازد، می‌فرماید: کسانی که کافر شدند اموال و ثروتها و فرزندان آنها را از خداوند بی‌نیاز نمی‌کند (و در برابر عذاب الهی به آنان کمک نمی‌نماید) و آنها آتشگیره دوزخند (ان الذین كفروا لن تغني عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شيئا و اولئك هم وقود النار).

اگر تصور می‌کنند فزونی ثروت و نفرات و فرزندان می‌تواند آنها را از عذاب الهی در این جهان یا در آخرت حفظ کند سخت در اشتباهند. بعضی از مفسران، این آیه را اشاره به یهود بنی‌نضیر و بنی‌قریظه دانسته‌اند که به اموال و فرزندان خود افتخار می‌کردند، ولی مسلما آنها یکی از مصادیق این آیه

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۴۷

بوده‌اند، و مفهوم آن چنان گسترده است که کفار دیروز و امروز را شامل می‌شود.

وقود - چنانکه در سابق نیز اشاره شد - به معنی آتشگیره و چیزی که آتش را با آن می‌افروزند (مانند هیزم) می‌باشد، نه آتشزنه (مانند کبریت) و تعبیر و «اولئك هم وقود النار» (و آنها هیزم آتش دوزخند)، می‌رساند که آتش دوزخ از درون وجود خود آنها زبانه‌میکشد، و وجود آنها است که آنها را آتش می‌زند.

البته در بعضی از آیات داریم که آتشگیره دوزخ، علاوه بر گنهکاران، سنگها نیز می‌باشند که ظاهرا منظور از آن بت‌هایی است که از سنگ می‌ساختند، بنابراین آتش دوزخ از درون وجود خودشان و اعمال و معبودهای خودشان شعله‌ور می‌گردد.

سپس به یک نمونه روشن از اقوامی که دارای ثروت و نفرات فراوان بودند ولی به هنگام نزول عذاب، این امور نتوانست مانع نابودی آنان گردد اشاره کرده، می‌فرماید: وضع اینها همچون وضع آل فرعون و کسانی است که قبل از آنها بودند، آیات ما را تکذیب کردند (و به فزونی اموال و نفرات و فرزندان مغرور شدند) خداوند آنها را به کیفر گناهانشان گرفت و خداوند کیفرش شدید است (کذاب آل فرعون و الذین من قبلهم کذبوا بآياتنا فاخذهم الله بذنوبهم و الله شديد العقاب).

«داب» در اصل به معنی ادامه سیر و حرکت است و به معنی هر کار و عادت

مستمر نیز می‌آید. در آیه فوق حال کافران معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تشبیه به عادت مستمر و سیره نادرست آل فرعون و اقوام پیش از آنها شده است که آیات خدا را تکذیب کردند و خداوند آنها را به گناهانشان گرفت و در همین جهان به مجازات سختی گرفتار شدند. این در حقیقت هشدار است به همه کافران لجوج که سرنوشت فرعونیان و اقوام پیشین را به خاطر بیاورند و مراقب اعمال خود باشند.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۴۸

درست است که خداوند ارحم الراحمین است، ولی به موقع خود برای تربیت بندگان شدید العقاب نیز می‌باشد و هرگز نباید رحمت و اسعه پروردگار باعث غرور کسی شود. ضمناً از کلمه «داب» استفاده می‌شود که این برنامه غلط یعنی لجاجت در برابر حقیقت و تکذیب آیات پروردگار خوی و عادت آنها شده و به همین جهت به مجازات شدید تهدید شده‌اند زیرا تا زمانی که «گناه و خلاف» به صورت عادت و سنت و راه و رسم در نیامده بازگشت از آن آسان، و مجازاتش نسبتاً خفیف است ولی هنگامی که در وجود انسان نفوذ کرد هم بازگشت از آن مشکل است و هم مجازات آن سنگین، پس چه بهتر که کافران و گناهکاران تا دیر نشده از راه نادرست باز گردند.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۴۹

آیه ۱۲

آیه و ترجمه

قل للذين كفروا ستغلبون وتحشرون الى جهنم وبئس المهاد

ترجمه :

۱۲ - به آنها که کافر شدند بگو: (از پیروزی خود در جنگ احد، شاد نباشید! بزودی مغلوب خواهید شد، و (سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است!

شان نزول :

پس از جنگ «بدر» و پیروزی مسلمانان جمعی از یهود گفتند: آن پیامبر امی که ما وصف او را در کتاب دینی خود (تورات) خوانده‌ایم که در جنگ مغلوب نمی‌شود همین پیغمبر است، بعضی دیگر گفتند: عجله و شتاب نکنید

تا نبرد و واقعه دیگری واقع شود آنگاه قضاوت کنید، هنگامی که جنگ احد پیش آمد، و ظاهراً به شکست مسلمانان پایان یافت گفتند: نه، به خدا سوگند آن پیامبری که در کتاب ما بشارت به آن داده شده این نیست و به دنبال این واقعه نه تنها مسلمان نشدند، بلکه بر خشونت و فاصله گرفتن از پیامبر و مسلمانان افزودند، حتی پیمانی را که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد عدم تعرض داشتند پیش از پایان مدت نقض کردند و شصت نفر سوار به اتفاق کعب اشرف به سوی مکه رهسپار شدند و با مشرکان برای مبارزه با اسلام هم‌پیمان گردیده به مدینه مراجعت کردند، در این هنگام آیه فوق نازل شد و پاسخ دندان شکنی به آنها داد که نتیجه را در پایان کار حساب کنید و بدانید بزودی همگی مغلوب خواهید شد.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۰

تفسیر :

انتظارات غلط

با توجه به شان نزول فوق معلوم می‌شود کفاری که به اموال و ثروتها و فرزندان و نفراتشان مغرور بودند انتظار شکست اسلام را داشتند، ولی قرآن در این آیه با صراحت می‌گوید: یقین داشته باشند که به زودی مغلوب خواهید شد، روی سخن را به پیامبر کرده، می‌فرماید: به کافران بگو: به زودی مغلوب خواهید شد (در این دنیا خوار و بی‌مقدار و در قیامت) به سوی جهنم محشور و رانده خواهید شد و چه بد جایگاهی است دوزخ (قل للذین كفروا ستغلبون و تحشرون الى جهنم و بئس المهاد).

نکته :

یک پیشگویی روشن

در قرآن مجید اخبار غیبی فراوانی است که از ادله عظمت و اعجاز قرآن است و یک نمونه آن را در آیه فوق می‌خوانیم.

در این آیه، خداوند صریحاً به پیامبر خود بشارت می‌دهد که بر همه دشمنان پیروز خواهد شد و به کافران می‌گوید علاوه بر این که در این جهان شکست خواهید خورد و مغلوب خواهید شد در جهان دیگر نیز سرانجام شومی در پیش خواهید داشت.

با توجه به شان نزول آیه و اینکه بعد از جنگ احد نازل شده در حالی که مسلمانان از نظر ظاهر قدرت و نفوذ خود را از دست داده بودند و دشمنان

اسلام با پیوستن به یکدیگر و هم پیمان شدن، قدرت و نیروی چشمگیری پیدا کرده بودند.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۱

در چنین شرایطی پیشگوئی صریح آن هم درباره آینده نزدیک که از جمله «ستغلبون» (به زودی شکست خواهید خورد) استفاده می شود موضوع جالبی است، از این رو می توان آیه را از آیات اعجاز قرآن به شمار آورد زیرا خبر صریح از امور مربوط به آینده در آن است در شرایطی که نشانه های پیروزی مسلمانان بر کفار و یهود روشن نبود. طولی نکشید که مضمون آیه تحقق یافت، یهودیان مدینه (بنی قریظه و بنی نضیر) در هم شکسته شدند و در غزوه خیبر، مهمترین مرکز قدرت آنان از هم متلاشی شد و مشرکان نیز در فتح مکه برای همیشه مغلوب گشتند.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۲

آیه ۱۳

آیه و ترجمه

قد کان لکم آیه فی فئتين التقتا فئة تقاتل فی سبیل الله و اخری کافرة یرونهم مثلیهم رای العین و الله یوید بنصره من یشاء ان فی ذلک لعبرة لا ولی الا بصار

ترجمه :

۱۳ - در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کرد، و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت)، در حالی که آنها (گروه مومنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد). و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تایید می کند. در این، عبرتی است برای بینایان!

شان نزول :

این آیه در مورد چگونگی جنگ بدر نازل شده است، چنانکه مفسران گفته اند در جنگ بدر تعداد مسلمانان ۳۱۳ نفر بود، ۷۷ نفر آنها از مهاجران و ۲۳۶ نفر آنها از انصار بودند پرچم مهاجران به دست علی (علیه السلام) بود و سعد بن عبادہ پرچمدار انصار بود آنان تنها با داشتن هفتاد شتر و دو اسب و شش زره و هشت شمشیر در این نبرد بزرگ شرکت کرده بودند، با اینکه سپاه دشمن بیش

از هزار نفر با اسلحه کافی بودند و یکصد اسب داشتند مسلمانان با دادن بیست و دو نفر شهید (۱۴ نفر از مهاجران و ۸ نفر از انصار) به دشمن که هفتاد کشته و هفتاد اسیرداد غالب شدند و با پیروزی کامل به مدینه مراجعت کردند این آیه گوشه‌ای از ماجرای بدر را بازگو می‌کند.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۳

تفسیر :

جنگ بدر نمونه روشنی بود

این آیه در حقیقت بیان نمونه ای است از آنچه در آیات قبل آمده است و به کافران هشدار می‌دهد که به اموال و ثروت و کثرت نفرات مغرور نشوند که سودی به حالشان ندارد، یک شاهد زنده این موضوع جنگ بدر است، که دشمنان اسلام با فزونی تجهیزات جنگی و نفرات و اموال، به شکست سختی مبتلا شدند، می‌فرماید: در آن دو جمعیت (که در میدان جنگ بدر) با هم روبرو شدند نشانه و درس عبرتی برای شما بود (قد کان لکم آیه فی فئتين التقتا).

یک گروه در راه خدا نبرد می‌کرد و گروه دیگر کافر بود و در راه شیطان و بت (فئة تقاتل فی سبیل الله و اخری کافرة).

چرا عبرت نگیرید در حالی که یک ارتش کوچک و تقریباً فاقد ساز و برگ جنگی اما با ایمان استوار و محکم بر ارتش که چند برابر او بود، از نظر وسایل جنگی و تعداد نفرات، پیروز گشت، اگر تنها فزونی نفرات و امکانات می‌توانست کارگشا باشد، باید در جنگ بدر ظاهر شده باشد، در حالی که نتیجه معکوس بود، سپس می‌افزاید: آنها (مشرکان) این گروه (مومنان) را با چشم خود دو برابر آنچه بودند مشاهده می‌کردند (یرونهم مثلیهم رای العین).

یعنی اگر مومنان ۳۱۳ نفر بودند، در چشم کفار بیش از ۶۰۰ نفر جلوه می‌کردند تا بر وحشت آنها بیفزاید، و این خود یکی از عوامل شکست کفار شد.

این موضوع علاوه بر اینکه یک امداد الهی بود، از جهتی طبیعی نیز به نظر می‌رسد زیرا وقتی نبرد شروع شد، و ضربات کوبنده مسلمانان که از نیروی ایمان مایه می‌گرفت بر پیکر لشکر دشمن وارد شد، چنان مرعوب و متوحش شدند که فکر می‌کردند نیروی دیگری همانند آنان به آنها پیوسته است و با دو برابر قدرت اول صحنه جنگ را در اختیار گرفته‌اند، در حالی که قبل از شروع

عکس بود، آنها چنان با دیده حقارت به مسلمانان نگاه می کردند که تعدادشان را کمتر از آنچه بود، تصور می کردند، یا به تعبیر دیگر خدای خواست قبل از شروع جنگ، تعداد مسلمانان در نظر آنان کم جلوه کند تا با غرور و غفلت وارد جنگ شوند، و پس از شروع جنگ دو برابر جلوه کند تا وحشت و اضطراب، آنها را فرا گیرد و منتهی به شکست آنان گردد ولی به عکس خداوند عدد دشمنان را در نظر مسلمانان، کم جلوه داد تا بر قدرت و قوت روحیه آنها بیفزاید.

این همان چیزی است که در آیه ۴۴ سوره انفال نیز به آن اشاره شده است می فرماید: و اذ یریکموهم اذ التقیتم فی اعینکم قلیلا و یقللکم فی اعینهم لیقضی الله امرا کان مفعولا: به یاد آرید هنگامی را که با دشمن در میدان جنگ روبرو شدید، خداوند آنها را در نظر شما کم جلوه می داد (تا روحیه شما برای نبرد ضعیف نشود) و شما را در نظر آنها کم جلوه می داد (تا از شروع به جنگی که سرانجامش شکست آنها بود منصرف نشوند) تا خداوند کاری را که می بایست انجام گیرد صورت بخشد.

یعنی شما نترسید و با کمال قدرت وارد جنگ شوید، آنها نیز در آغاز با غرور و بی اعتنائی وارد جنگ شوند و سپس صحنه دگرگون گردد، و مسلمانان بیش از آنچه بودند، در نظر دشمنان جلوه کنند و به شکست آنان در این نبرد سرنوشت ساز منتهی گردد.

در بعضی از روایات آمده است که یکی از مسلمانان می گوید: قبل از جنگ بدر به دیگری گفتم: آیا فکر می کنی، کفار هفتاد نفر باشند، گفت گمان می کنم صد

نفرند، ولی هنگامی که در جنگ پیروز شدیم و اسیران فراوانی از آنها گرفتیم به ما خبر دادند که آنها هزار نفر بودند. سپس می افزاید: خداوند هر کس را بخواهد با یاری خود تقویت می کند (و الله یوید بنصره من یشاء).

همانگونه که بارها گفته ایم خواست و مشیت خدا بی حساب نیست و همواره

آمیخته با حکمت او است، و تا شایستگی‌هایی در افراد نباشد آنها را تایید و تقویت نمی‌کند.

قابل توجه این‌که: تایید و پیروزی خداوند در این حادثه تاریخی، نسبت به مسلمانان دو جانبه بود، هم یک پیروزی نظامی بود و هم یک پیروزی منطقی از این نظر پیروزی نظامی بود که ارتش کوچکی با نداشتن امکانات کافی بر ارتشی که چند برابر او بود و از امکانات فراوانی بهره‌می‌گرفت پیروز شد. و اما پیروزی منطقی از این نظر بود که خداوند صریحا این پیروزی را قبل از آغاز جنگ به مسلمانان وعده داده بود، و این دلیلی بر حقانیت اسلام شد. در پایان آیه می‌فرماید: در این عبرتی است برای صاحبان چشم و بینش (ان فی ذلک لعبرة لأولی الابصار).

آری آنها که چشم بصیرت دارند، و حقیقت را آن چنان که هست می‌بینند از این پیروزی همه جانبه افراد با ایمان درس عبرت می‌گیرند و می‌دانند سرمایه اصلی پیروزی ایمان است و ایمان.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۶

آیه ۱۴

آیه و ترجمه

زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطرة من الذهب و الفضة و الخیل المسومة و الانعم و الحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا و الله عنده حسن الماب

ترجمه :

۱۴ - محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است، (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند، ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است، و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست.

تفسیر :

جاذبه زینتهای مادی

در آیات گذشته سخن از کسسانی بود که تکیه بر اموال و فرزندان‌شان در زندگی دنیا داشتند و به آن مغرور شدند و خود را از خدا بی‌نیاز دانستند، این آیه در حقیقت تکمیلی است بر آن سخن، می‌فرماید: امور

مورد علاقه، از جمله زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت و کشاورزی در نظر مردم جلوه داده شده است تا به وسیله آن آزمایش شوند (زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطرة من الذهب و الفضة و الخیل المسومة و الانعام الحرث).

ولی اینها سرمایه‌های زندگی دنیا است، (و هرگز نباید هدف اصلی انسان را تشکیل دهد) و سرانجام نیک (و زندگی جاویدان) نزد خداست (ذلک متاع الحیوة الدنیا و الله عنده حسن الماب).

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۷

درست است که بدون این وسایل، نمی‌توان زندگی کرد، و حتی پیمودن راه معنویت و سعادت نیز بدون وسایل مادی غیر ممکن است، اما استفاده کردن از آنها در این مسیر مطلبی است، و دلبستگی فوق العاده و پرستش آنها و هدف نهایی بودن مطلب دیگر.

نکته‌ها

۱- چه کسی این امور مادی را زینت داده؟

جمله «(زین للناس حب الشهوات)» که به صورت فعل مجهول ذکر شده می‌گوید: علاقه به زن و فرزند و اموال و ثروتها در نظر مردم زینت داده شده است، در اینجا این سوال پیش می‌آید که زینت دهنده چه کسی است؟ بعضی از مفسران معتقدند که این هوسهای شیطانی است که آنها را در نظرها زینت می‌دهد و به آیه ۲۴ سوره «نمل و زین لهم الشیطان اعمالهم» (و شیطان اعمال آنها را در نظرشان جلوه داده است) و امثال آن استدلال کرده‌اند ولی این استدلال صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا آیه مورد بحث درباره اعمال سخن نمی‌گوید، بلکه درباره اموال و زنان و فرزندان سخن می‌گوید. آنچه در تفسیر آیه صحیح به نظر می‌رسد این است که زینت دهنده خداوند است از طریق دستگاه آفرینش و نهاد و خلقت آدمی.

زیرا خدا است که عشق به فرزندان و مال و ثروت را در نهاد آدمی ایجاد کرده تا او را آزمایش کند و در مسیر تکامل و تربیت پیش برد همانطور که قرآن می‌گوید: «انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ايهما احسن عملا»، ما آنچه را در روی زمین هست زینت برای آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم که کدامیک عملشان بهتر است.

یعنی از این عشق و علاقه تنها در مسیر خوشبختی و سازندگی بهره گیرند
نه

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۸

در مسیر فساد و ویرانگری.
جالب این که در آیه مورد بحث نخستین موضوعی که ذکر شده است همسران و زنان می باشند و این همان است که روانکاوان امروزمی گویند غریزه جنسی از نیرومندترین غرایز انسان است تاریخ معاصرو گذشته نیز تایید می کند که سرچشمه بسیاری از حوادث اجتماعی طوفانهای ناشی از این غریزه بوده است. ذکر این نکته نیز لازم است که آیه مورد بحث و سایر آیات مشابه آن هیچگاه علاقه معتدل نسبت به زن و فرزندان و اموال و ثروت رانکوهش نمی کند، زیرا پیشبرد اهداف معنوی بدون وسایل مادی ممکن نیست به علاوه قانون شریعت هرگز بر ضد قانون خلقت و آفرینش نمی تواند باشد، آنچه مورد نکوهش است عشق و علاقه افراطی و به عبارت دیگر پرستش این موضوعات است.

۲ - منظور از «القناطر المقنطره» و «الخيل المسومه» چیست؟

واژه «قناطر» جمع قنطار به معنی چیز محکم است و سپس به مال زیاد گفته شده است و اگر مشاهده می کنیم پل را قنطره و اشخاص باهوش را قنطر می گویند به خاطر استحکام در بنا یا در تفکر آنها است و مقنطره اسم مفعول از همان ماده به معنی مضاعف و مکرر آن می باشد و ذکر این دو کلمه پشت سر هم برای تاکید است، شبیه تعبیری که در فارسی امروز رایج است که می گویند: فلان کس صاحب «آلاف» و «آلوف» می باشد یعنی ثروت زیادی دارد.

بعضی برای «قنطار» حد معینی تعیین کرده اند و گفته اند: قنطار هفتاد هزار دینار طلا است، بعضی صد هزار و بعضی دوازده هزار درهم دانسته اند و بعضی دیگر، قنطار را یک کیسه پر از سکه طلا یا نقره دانسته اند.
در روایتی از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) نقل شده که قنطار، مقدار طلائی است که پوست یک گاو را پر کند ولی در حقیقت همه اینها مصداق یک مفهوم وسیع است و آن مال زیاد.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵۹

واژه «خیل» اسم جمع است و به معنی اسبها یا اسب سواران هر دواست

البته در آیه مورد بحث منظور را از آن همان معنی اول است. کلمه «مُسُومَه» در اصل به معنی نشاندار است و نشان داشتن آن یابه خاطر برآزندگی اندام و مشخص بودن چهره و یا به خاطر تعلیم و تربیت آنها و آمادگی برای سواری در میدان جنگ است. بنابراین آیه مورد بحث به شش چیز از سرمایه‌های مهم زندگی که عبارتاند از: زن، فرزند، پولهای نقد، مرکبهای ممتاز چهارپایانی که در دامداری مورد استفاده هستند (انعام) و زراعتها (حرث) اشاره می‌کند که ارکان زندگی مادی انسان را تشکیل می‌دهند.

۳- منظور از متاع حیات دنیا چیست؟

متاع به چیزی می‌گویند که انسان از آن بهره‌مند می‌شود و حیات دنیا به معنی زندگی پایین و پست است بنابراین معنی جمله «ذلک متاع الحیوة الدنیا» چنین می‌شود که اگر کسی تنها به این امور ششگانه به عنوان هدف نهایی عشق ورزد و از آنها به صورت نردبانی در مسیر زندگی انسانی بهره نگیرد چنین کسی تن به زندگی پستی داده.

در حقیقت جمله «الحیوة الدنیا» (زندگی پایین) اشاره به سیر تکاملی حیات و زندگی است که زندگی این جهان نخستین مرحله آن محسوب می‌گردد لذا در پایان آیه اشاره‌های اجمالی به آن زندگی عالی‌تر که در انتظار بشر می‌باشد کرده و می‌فرماید: «و الله عنده حسن الماب»، یعنی سرانجام نیک در نزد خداوند است.

نکته آخر

۴- همانگونه که اشاره شد در میان نعمتهای مادی زنان را مقدم داشته چرا که در مقایسه با دیگر نعمتها نقش مهمتری در جلب افکار دنیاپرستان و اقدام آنها بر جنایات هولناک دارد!

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۶۰

آیه ۱۵ - ۱۷

آیه و ترجمه

قل اونیئکم بخیر من ذلکم للذین اتقوا عند ربهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدين فیها و ازواج مطهرة و رضوان من الله و الله بصیر بالعباد الذین یقولون ربنا اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار الصابرين و الصادقین و القانتین و المنفقین و المستغفرین بالاسحار

ترجمه :

۱۵ - بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟ برای کسانی که پرهیزکاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نه‌رها از پای درختانش می‌گذرد، همیشه در آن خواهند بود، و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

۱۶ - همان کسانی که می‌گویند: پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!

۱۷ - آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه)، استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می‌کنند، و در سحرگاهان، استغفار می‌نمایند.

تفسیر :

با توجه به آنچه در آیه قبل درباره اشیاء مورد علاقه انسان در زندگی

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۶۱

دنیا آمده بود در اینجا در یک مقایسه، اشاره به مواهب فوق العاده خداوند در جهان آخرت و بالاخره قوس صعودی تکامل انسان کرده، می‌فرماید: بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی) بهتر است (قل اونیئکم بخیر من ذلکم).

سپس به شرح آن پرداخته، می‌افزاید: برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند در نزد پروردگارشان باغ‌هایی از بهشت است که نه‌رها از زیر درختانش جاری است، همیشه در آن خواهند بود، و همسرانی پاکیزه و (از همه بالاتر) خشنودی خداوند نصیب آنها می‌شود، و خدا به بندگان بینا است (لذین اتقوا عند ربهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدين فیها وازواج مطهره و رضوان من الله و الله بصیر بالعباد).

آری این باغ‌های بهشتی بر خلاف غالب باغ‌های این جهان، هرگز آب‌روان از پای درختانش قطع نمی‌شود.

و بر خلاف مواهب مادی این جهان که بسیار زودگذر و ناپایدار است جاودانی و ابدی است.

همسران آن جهان، بر خلاف بسیاری از زیبا رویان این جهان هیچ نقطه تاریک

و منفی در جسم و جان آنها نیست و از هر عیب و نقصی پاک و پاکیزه‌اند همه اینها در یک طرف، و مساله خشنودی خداوند (رضوان من الله) که برترین نعمتهای معنوی است یک طرف، آری این نعمت معنوی ما فوق تصور نیز در انتظار مومنان پرهیزکار است.

قابل توجه اینکه: این آیه با جمله «(اوبئکم)» (آیا شما را آگاه کنم) آغاز شده، که یک جمله استفهامیه است و برای گرفتن پاسخ از فطرت‌های بیدار و عقل و خرد انسانی، مطرح شده تا نفوذش در شنونده عمیق‌تر باشد و از سوی دیگر این جمله از ماده انباء گرفته شده که معمولاً در مورد خبرهای مهم و قابل توجه به کار می‌رود.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۶۲

در واقع قرآن مجید در این آیه، به افراد با ایمان اعلام می‌کند که اگر به زندگی حلال دنیا قناعت کنند و از لذات نامشروع و هوسهای سرکش و ظلم و ستم به دیگران به پرهیزند، خداوند لذاتی برتر و بالاتر در جهت مادی و معنوی که از هر گونه عیب و نقص پاک و پاکیزه است، نصیب آنها خواهد کرد. در اینجا سوالی مطرح است و آن اینکه آیا در بهشت، لذات مادی هم وجود دارد؟

بعضی چنین می‌پندارند که لذا یذ مادی منحصر به این جهان است، و در آن جهان اثری از این لذا یذ نیست و تمام تعبیراتی که در آیات قرآن درباره باغهای بهشتی و انواع میوه‌ها و آبهای جاری و همسران خوب آمده کنایه از یک سلسله مقامات و مواهب معنوی است که از باب «کلم الناس علی قدر عقولهم» (با مردم به اندازه فکرشان سخن بگو) به این صورت تعبیر شده است.

ولی در برابر این پندار باید گفت: هنگامی که ما طبق صریح آیات فراوانی از قرآن کریم معاد جسمانی را قبول کردیم باید برای هر دو قسمت (جسم و روح) موهبت‌هایی به تناسب آنها، منتها در سطحی عالی‌تر وجود داشته باشد و اتفاقاً در این آیه اشاره به هر دو قسمت شده، هم آنچه شایسته معاد جسمانی است و هم آنچه شایسته روح و رستاخیز ارواح می‌باشد.

در واقع آنها که تمام نعمتهای مادی آن جهان را کنایه از نعمتهای معنوی می‌گیرند تحت تاثیر مکتبهای التقاطی قرار گرفته علاوه بر این که بدون جهت ظواهر آیات قرآن را تاویل کرده معاد جسمانی و لوازم آن را به کلی فراموش نموده و منکر شده‌اند.

و شاید جمله «و الله بصير بالعباد» (خداوند به وضع بندگان خودبینا است) که در آخر آیه آمده اشاره به همین حقیقت باشد یعنی او است که می‌داند جسم و جان آدمی در جهان دیگر هر کدام چه خواسته‌هایی دارند و این خواسته‌ها را در هر

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۶۳

- دو جانبه به نحو احسن تامین می‌کند.
- در آیه بعد به معرفی بندگان پرهیزکار که در آیه قبل به آن اشاره شده بود پرداخته و شش صفت ممتاز برای آنها بر می‌شمرد.
- ۱ - نخست اینکه: آنان با تمام دل و جان متوجه پروردگار خویشاند و ایمان قلب آنها را روشن ساخته و به همین دلیل در برابر اعمال خویش به شدت احساس مسئولیت می‌کنند، می‌فرماید: همان کسانی که می‌گویند پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم، گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش نگاهدار (الذین يقولون ربنا اننا آمنّا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار).
- ۲ - آنها که صبر و استقامت دارند و در برابر حوادث سخت که در مسیر اطاعت پروردگار پیش می‌آید، و همچنین در برابر گناهان و به هنگام پیش آمدن شدائد و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی، شکیبائی و ایستادگی به خرج می‌دهند (الصابرين).
- ۳ - آنها که راستگو و درست‌کردارند و آنچه در باطن به آن معتقدند در ظاهر به آن عمل می‌کنند و از نفاق و دروغ و تقلب و خیانت دورند (والصادقين).
- ۴ - آنها که خاضع و فروتن هستند و در طریق بندگی و عبودیت خدا براین کار مداومت دارند (و القانتين).
- ۵ - آنها که در راه خدا انفاق می‌کنند نه تنها از اموال، بلکه از تمام مواهب مادی و معنوی که در اختیار دارند به نیازمندان می‌بخشند (والمنفقين).
- ۶ - و آنها که سحرگاهان، استغفار و طلب آمرزش می‌کنند (والمستغفرين).

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۶۴

بالاسحار).

در آن هنگام که چشمهای غافلان و بیخبران در خواب است و غوغای جهان مادی فرو نشسته و به همین دلیل حالت حضور قلب و توجه خاص به ارزشهای اصیل در قلب مردان خدا زنده می‌شود به پامی خیزند و در پیشگاه با عظمتش

سجده می کنند و از گناهان خود آمرزش می طلبند و محو انوار جلال کبریائی او می شوند، و تمام ذرات وجودشان زمزمه توحید سر می دهد، و همانگونه که با طلوع صبح، ظلمت شب برچیده می شود و فیض عام پروردگار بر صفحه جهان می نشیند، آنها نیز به دنبال زمزمه های عاشقانه سحرگاهان همراه با طلوع صبح، پرده های ظلمت غفلت و گناه از دلهایشان برچیده می شود و انوار رحمت و مغفرت و معرفت الهی بر دلهایشان فرو می نشیند.

نکته ها

۱ - در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه اخیر می خوانیم، که فرمود: هر کس در نماز وتر (آخرین رکعت نماز شب) هفتاد بار بگوید: استغفر الله ربی و اتوب الیه و تا یک سال این عمل را ادامه دهد خداوند او را از استغفار کنندگان در سحر «المستغفرین بالاسحار» قرار می دهد و او را مشمول عفو و رحمت خود می سازد.

۲ - واژه «سحر» (بر وزن بشر) در اصل به معنی پوشیده و پنهان بودن است و چون در ساعات آخر شب پوشیدگی خاصی بر همه چیز حکومت می کند، نام آن سحر گذاشته شده است لغت سحر (بر وزن شعر) نیز از همین ماده است زیرا شخص ساحر دست به کارهایی می زند که اسرار آن از دیگران پوشیده و پنهان است عرب به ریه و شش نیز گاهی سحر (بر وزن بشر) می گوید و این هم به خاطر پوشیده

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۶۵

بودن درون آن می باشد.

چرا در میان اوقات شبانه روز تنها به وقت «سحر» اشاره شده است در حالی که استغفار و بازگشت به سوی خدا در هر حال مطلوب است؟ این برای آن است که سحر به خاطر آرامش و سکوت و تعطیل کارهای مادی و نشاطی که بعد از استراحت و خواب به انسان دست می دهد آمادگی بیشتری برای توجه به خداوند به او می بخشد و این معنی را به آسانی با تجربه می توان دریافت، حتی بسیاری از دانشمندان برای حل مشکلات علمی از آن وقت استفاده می کردند. زیرا چراغ فکر و روح انسان در آن وقت از هر زمان پر فروغتر و درخشان تر است و از آنجا که روح عبادت و استغفار توجه و حضور دل می باشد عبادت و استغفار در چنین ساعتی از همه ساعات گرانبها تر خواهد بود.

قبل

فهرست

بعد